



الگوی مدیریت سیاسی امام(ره) بعد از پیروزی انقلاب اسلامی

ابوالحسن حسین زاده^۱

چکیده

اندیشمندان و مدیران برجسته دنیا با نظریه های خویش، رهیافت های متعددی را در جهان مدیریت، پایه گذاری و تقویت نمودند که مهمترین آنها را می توان در پنج رهیافت خلاصه نمود:

۱- رهیافت سنتی (کلاسیک) ۲- رهیافت منابع انسانی (نئوکلاسیک) ۳- رهیافت کمی و علمی ۴- رهیافت سیستمی و اقتضائی ۵- رهیافت جامع و پویا

اداره جهان پرتلاطم امروز، ضمن بهره گیری از تجارب و اندوخته های علمی و مکاتب مختلف مدیریتی، نیازمند طراحی و اجرای الگوهای منظم و کارآمد مدیریتی جهت اداره جوامع، نظام ها، سازمان ها، نهادها، شرکت ها و... می باشد. در یک جمع بندی از همه مکاتب می توان مهمترین عناصر و ارکان یک الگوی مدیریتی را در پنج اصل ذکر نمود: ۱- برنامه ریزی ۲- تصمیم گیری ۳- سازماندهی ۴- هدایت (رهبری، انگیزش و ارتباطات) ۵- کنترل و نظارت.

حضرت امام خمینی(ره) رهبر و مدیری که بدون داشتن تحصیلات آکادمیک مدیریتی، با الهام از تعالیم مدیریتی اسلام و بینش و منش خارق العاده مدیریتی و سیاسی خویش، در حالی بیش از ده سال به اداره نظام نوپای اسلامی پرداختند که تحت شدیدترین فشار و تهدیدات داخلی و خارجی قرار داشت و به زعم بسیاری از تحلیلگران بایستی این نظام در



همان سال های آغازین از ادامه حرکت باز می ماند. در این مقاله ، مهمترین عناصر الگوی مدیریتی حضرت امام(ره) شامل ۱- برنامه ریزی ۲- تصمیم گیری ۳- سازماندهی ۴- هدایت(رهبری، انگیزش و ارتباطات) ۵- کنترل و نظارت تبیین می گردد. لازم به ذکر است هرچند به ظاهر عناصر و ساختار اصلی الگوی مدیریتی امام(ره) با بسیاری از الگو های مدیریتی، یکسان و مشابه است ولی هریک از عناصر این الگو تفاوت ماهوی با عناصر الگوهای دیگر دارد.

کلیدواژگان: مدیریت، الگوی مدیریت، برنامه ریزی، تصمیم گیری، هدایت و رهبری، سازماندهی، کنترل و نظارت، امام خمینی(ره)

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷، تجربه جدیدی از حکومت داری و مدیریت سیاسی با محوریت دین و نقش فراگیر مردم، ارائه گردید. در این میان نقش امام خمینی(ره) به عنوان بنیانگذار و رهبر انقلاب اسلامی که مدیریت کلان سیاسی کشور را نیز عهده دار بودند نقش برجسته ، ممتاز و بی نظیری است. این تحقیق، با بهره گیری از منابع دست اول و دوم در حوزه مدیریت و آثار حضرت امام(ره) ضمن بر شمردن رهیافتهای و مکاتب رایج مدیریتی و اصول حاکم بر آن به بررسی مهمترین عناصر الگوی مدیریت حضرت امام(ره) می پردازد.

۱- تعریف مفاهیم

مدیریت^۱: علم و هنر بکار گیری مؤثر و کارآمد منابع سخت افزاری و نرم افزاری از طریق برنامه ریزی ، تصمیم گیری ، سازماندهی ، رهبری و هدایت ، کنترل برای دستیابی به اهداف مورد نظر .

الگو: الگو نمادی است که برخی از ابعاد مهم یک سازمان را تشریح می کند و دارای مجموعه عناصری است که با یکدیگر روابط کارکردی دارند و جهت تحقق هدف و مأموریت اصلی سازمان با یکدیگر هماهنگ می شوند.

1-Management

2-Model



الگوی مدیریت سیاسی : مجموعه عناصر و متغیرهایی که در کنار یکدیگر به طور منظم و منسجم قرار گرفته و با یکدیگر ارتباط منطقی داشته و در جهت اداره امور جامعه در عرصه داخلی و خارجی و تحقق اهداف سیاسی آن جامعه عمل می نمایند.

۲- عناصر الگوی رفتار مدیریتی حضرت امام(ره)

۲-۱- برنامه ریزی: امام(ره) مانند همه مدیران برنامه ریزی را به عنوان یک اصل مهم در اداره کشور تلقی نموده و بر ضرورت آن تأکید می نمودند: « مسأله برنامه از مهمات یک کشور است و چنانچه بدون برنامه یک کشوری بخواهد اداره بشود، نمی شود. باید برنامه باشد» (صحیفه نور، ۱۲۱، ۱۷) مهمترین اصولی که در برنامه ریزی مورد توجه و عنایت امام(ره) قرار داشت عبارتند از:

۲-۱-۱- تعیین هدف: امام(ره) مهمترین هدف اداره جامعه را تشکیل جمهوری اسلامی و تحقق استقلال و آزادی به معنای واقعی کلمه می دانستند (صحیفه نور، ج ۱۲، ۱۵۶) در جایی دیگر تأکید داشتند که ملت و دولت باید به دنبال این باشد که اسلام چه فرموده و برنامه ریزی بر این اساس صورت گیرد (صحیفه نور، ۱۷، ۱۲۴) امام(ره)، بارها در جمع مسنولان نظام، برنامه ریزی جهت تأمین منافع ملت و مخصوصاً مستضعفان و محرومان و رفع مشکلات آنان را مورد تأکید قرار می دادند (صحیفه نور، ۱۲، ۳۶۲ و ۱۳، ۲۰۶ و ۲۱، ۹۱).

۲-۱-۲- مدیریت زمان: امام(ره) چه در زندگی شخصی و چه در زندگی اجتماعی و سیاسی و مدیریتی دارای برنامه مشخص و معین بودند. ایشان از همه لحاظ عمرشان نهایت بهره وری را می کردند به عنوان مثال هنگام قدم زدن، به کارهای دیگر از جمله « ملاقات با دیگران، پاسخ به سؤالات، شنیدن اخبار از رادیو، خواندن دعا و زیارت و ... » می پرداختند (گلی زواره، ۱۳۸۶، سایت خبرگزاری فارس) امام(ره) با الهام از آموزه ها و سیره معصومین برای تمام شبانه روز برنامه داشتند و سین برنامه ایشان مشخص بوده و همه اطرافیان، مسؤولین آشنایان می دانستند که چه زمانی به ملاقات امام(ره) بروند و کسی هنگام مطالعه، دعا، استراحت و ... اجازه نداشت به محضر امام(ره) برسد.

۲-۱-۳- پیش بینی و پیش نگری: امام(ره) اولاً ضرورت شناخت لازم در برنامه ریزی را مورد تأکید قرار می دادند و ضرورت مطالعه برنامه ریزان را در این خصوص یاد آور می شدند (صحیفه نور، ۷، ۱۴). ایشان به پیش بینی و بسیج همه امکانات لازم برای



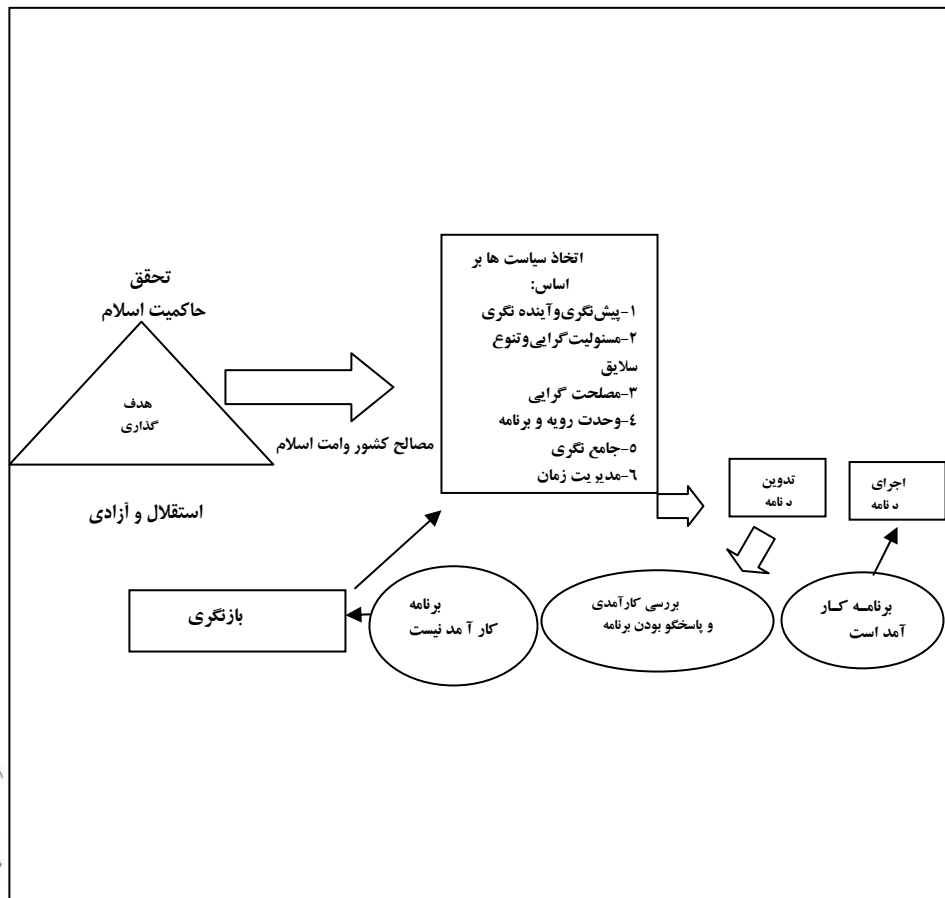
یک برنامه ریزی صحیح حساب شده، عنایت ویژه داشتند. (صحیفه نور، ۱۶، ۳۱۰) درک فوق حسی و شناخت شهودی امام(ره) از مسائل روز، منجر به درک عمیق و پیش بینی های صحیح و تاریخی نسبت به رویدادها و مسائل جهانی از جمله شکست شوروی سابق در افغانستان (صحیفه نور، ۱۲، ۹۶) فروپاشی کمونیسم و گرایش شوروی به غرب (نامه امام(ره) به گورباچف) و حمله عراق به کویت گردید (صحیفه نور، ۱۷، ۷۳).

۴-۱-۲- اصل وحدت رویه و عمل و پذیرش سلايق گوناگون: امام(ره) وجود سلايق گوناگون در برنامه ریزی امور را برای بهبود و رشد و جامعیت نگاه برنامه ریزان تا آنجایی که موجب تشتت و تفرقه نگردد لازم و مقبول می دانستند (صحیفه نور، ۱۹، ۷۵) لیکن بر ضرورت وجود برنامه و رویه واحد تأکید داشتند ایشان در منشور برداری تأکید می کنند، برای یک برنامه ریزی صحیح، عرضه آزادانه نظرات مخالفت باید فراهم شود. لیکن وحدت رویه و عمل ضروری است (صحیفه نور، ۲۱، ۱۷۸).

۵-۱-۲- اصل مصلحت گرایی: مصلحت گرایی از جمله اصول مهمی است که امام(ره) به آن توجه ویژه نمودند ایشان می فرمودند: «مصلحت نظام و مردم از امور مهمی است که مقاومت در مقابل آن ممکن است اسلام پا برهنگان زمین را در زمانهای دور و نزدیک زیر سوال برد» (صحیفه نور، ۲۱، ۱۷۶) تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام هنگامی صورت گرفت که اختلاف بین مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به اوج خود رسید و امام(ره) برای رفع این مشکل این مجمع را تشکیل دادند (افتخاری، ۱۳۸۲، ۳۰-۷)

۶-۱-۲- باز نگری در برنامه ها: امام(ره) با عنایت با تناسب برنامه به نیازها و کارآمدی آنها، بازنگری در برنامه های گذشته را لازم می دانستند و مهمترین آن حکم ایشان به رئیس جمهور وقت در مورخ ۶۸/۲/۴ در خصوص بازنگری در قانون اساسی بود. ایشان در آن حکم تأکید کردند نظر به گذشت ده سال از اداره عملی کشور، با توجه به معضلات و نقایص موجود بازنگری در قانون اساسی را ضرورتی اجتناب ناپذیر دانستند و تأخیر در آن را موجب بروز آفات و عواقب تلخی برای کشور و انقلاب دانستند و تصریح کردند که از مدت ها قبل در فکر حل این مشکل بوده اند ولی جنگ و مسائل دیگر مانع از انجام آن گردید (صحیفه نور، ۲۱، ۳۶۳) ایشان با انتخاب هیأت بازنگری و تعیین مهلت دو ماهه، برای آنان اصل مهم و حیاتی برای انقلاب را در واپسین روزهای زندگی

خویش، عملی نمودند (همان) با توجه به اصول برنامه ریزی، نمودار چرخه و فرایند برنامه ریزی در سیره حضرت امام(ره) به صورت ذیل قابل تصور است(نمودار شماره ۱):



۲-۲- **تصمیم گیری:** امام خمینی(ره) همواره از تصمیم گیری به عنوان یک حق یاد می کردند (صحیفه نور، ۵، ۱۵۷) و حضور خود و دیگران (مردم و نخبگان) را در مقدرات و تصمیم گیریهای سیاسی جامعه یک تکلیف دینی و سیاسی تلقی نموده و عدم اهتمام به



امور کشور اسلامی و مسلمین را به منزله گناه و نافرمانی، تعریف می کردند. استفاده از الفاظ تصمیم، تصمیم گیری، مصمم و ... بارها در پیام ها و نامه ها، سخنرانی ها و مکتوبات امام(ره) قابل مشاهده است (برزگر، ۵۹، ۱۳۷۳-۵۸) مهمترین اصول و مؤلفه های اساسی مؤثر و مورد عنایت در تصمیم گیری امام(ره) عبارتند از:

۱-۲-۲- اسلام محوری و تکلیف گرایی: محوری ترین عنصر تصمیم گیری امام(ره)، دین محوری و تکلیف گرایی است. امام(ره) تصمیم گیری در امور سیاسی را بر محور قوانین و احکام اسلام مورد تأکید قرار می دادند. ایشان می فرمودند: «بینیم خدا چی فرموده است؛ چه گفته است» (صحیفه نور، ۱۹، ۱۳۰) ایشان هر چیزی را قابل مصالحه می دانستند بجز اسلام: «هیچ کس حق ندارد که از اسلام بگذرد» (صحیفه نور، ۷، ۷۸) تکلیف گرایی نیز که ملهم از اسلام گرایی است، در تمام گفتار، رفتار و نوشتار امام(ره) مشهود است (صحیفه نور، ۷، ۳۷) تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی جهت حاکمیت هنجارهای رفتاری و سیاسی اسلام در ایران و معرفی آن به جهانیان، فتوای تاریخی امام(ره) در مورد ارتداد سلمان رشدی به خاطر مقابله وی با اساس دین اسلام، پذیرش قطعنامه ۵۹۸ به خاطر انجام تکلیف الهی و تقدم رضایت حق تعالی و عوامل دیگر و دیگر تدابیر و تصمیمات امام(ره) در برخورد با مسائل سیاسی از جمله نمونه محوریت اسلام و تکلیف در تصمیم گیریهای امام(ره) بود.

۲-۲-۲- مردم محوری: اسلام محوری و ادای تکلیف، مانع از آن نشد که امام(ره) به مردم کم توجهی کنند؛ بلکه ایشان رضایت خدا را در رضایت مردم دانسته و می فرمودند: «برای خدا، مردم را راضی نگه دارید» (صحیفه نور، ۱۷، ۱۶) و بارها بر نقش محوری مردم در تصمیم گیری تأکید می ورزیدند: «در ایران اسلامی مردم تصمیم گیران نهایی تمامی مسائلمند.» (صحیفه نور، ۱۶، ۲۶۶) تأکید مکرر ایشان بر حضور در صحنه های مختلف از جمله انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری و ...، تنفیذ ریاست جمهوری همه رؤسای جمهور و منتخب مردم مخصوصاً بنی صدر علیرغم میل باطنی خویش، حمایت از مجلس شورای اسلامی منتخب مردم، تأکید بر جمهوریت در کنار اسلامیت نظام به عنوان قالب و بستر ساختاری حضور مردم در تصمیم گیری، پیام ایشان در خصوص تعیین تکالیف گروهانهای

امریکایی در قضیه اشغال لانه جاسوسی^۱ و ... همگی حاکی از برخورد عملی امام(ره) جهت حضور مؤثر مردم در تصمیم گیری می باشد.

۳-۲-۲- قانونمندی: یکی از ملاک های تخلف ناپذیر در نظام تصمیم گیری امام(ره)، قانون محوری بود. امام(ره) در پیامی به نخست وزیر و هیات دولت در ۶۷/۳/۲۳ ضمن بر شمردن مضرات خروج از محدوده اختیارات قانونی، تأکید کردند هر گونه اعتراض و موضعگیری که موجب تضعیف و تخریب سیاست ها می گرددو شکننده برای نظام بوده و آن را محکوم کردند. (صحیفه نور، ۲۱، ۶۵) امام(ره) یکی از مهمترین مأموریتهایی که به دولت موقت واگذار نمودند تشکیل مجلس مؤسسان برای تدوین قانون اساسی بود تا امور بر مدار قانون انجام گیرد. (اسماعیلی، ۱۳۸۰، ۱۰۹) ایشان در قضیه گروگانها راه حل نهایی را به نهادهایی قانونی ارجاع دادند. (صحیفه نور، ۱۲، ۱۶۲)، ایشان در مسأله دولت میر حسین موسوی در پاسخ به نامه ۱۳۵ نفر از نمایندگان مجلس در تأیید نخست وزیر، ضمن اعلام نظر خود تصریح کردند: «که حق انتخاب [تصمیم گیری نهایی] باجناب آقای رئیس جمهور و مجلس شورای اسلامی محترم است». (صحیفه نور، ۱۹، ۳۹۳)

۴-۲-۲- قاطعیت، سرعت و ثبات: امام(ره) معتقد بودند، تصمیم گیری با تزلزل به نتیجه نمی رسد و تصمیم باید همراه با جزمیت باشد تا اینکه پیروزی حاصل شود (صحیفه نور، ۱۸، ۴۶۳) آیت ... هاشمی رفسنجانی در خصوص قاطعیت امام(ره) می گوید: «امام(ره) در مسائل قاطع بودند یا تصمیم نمی گرفتند یا اگر به تصمیم می رسیدند، هیچ چیز نمی توانست ایشان را از تصمیمشان باز دارد» (اهوازی، ۱۳۵۸، ۲۴۹) تأکید بر گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی علیرغم مخالفت تهدید به استغفاء بعضی دولتمردان از جمله بازرگان، (اسماعیلی، ۱۳۸۰، ۱۳۴-۱۳۴)، عزل بنی صدر از فرماندهی کل نیروهای مسلح (شیدائیان، ۱۳۸۵)، دستور شکست حصر آبادان (صحیفه نور، ۱۳، ۱۳۳۳) آزادسازی سوسنگرد (ستوده، ۲، ۱۳۷۳، ۱۹۹) و تأکیدات مکرر ایشان بر ضرورت عدم مسامحه در جنگ (صحیفه نور، ۱۳، ۱۲۲)، نامه ایشان به میرحسین موسوی در خصوص تصمیم گیری سریع در مورد انتخاب رئیس بانک مرکزی - که هر گونه سستی در آن مضر به حال جامعه است. (صحیفه نور، ۲۰، ۱۵۳) تصمیم



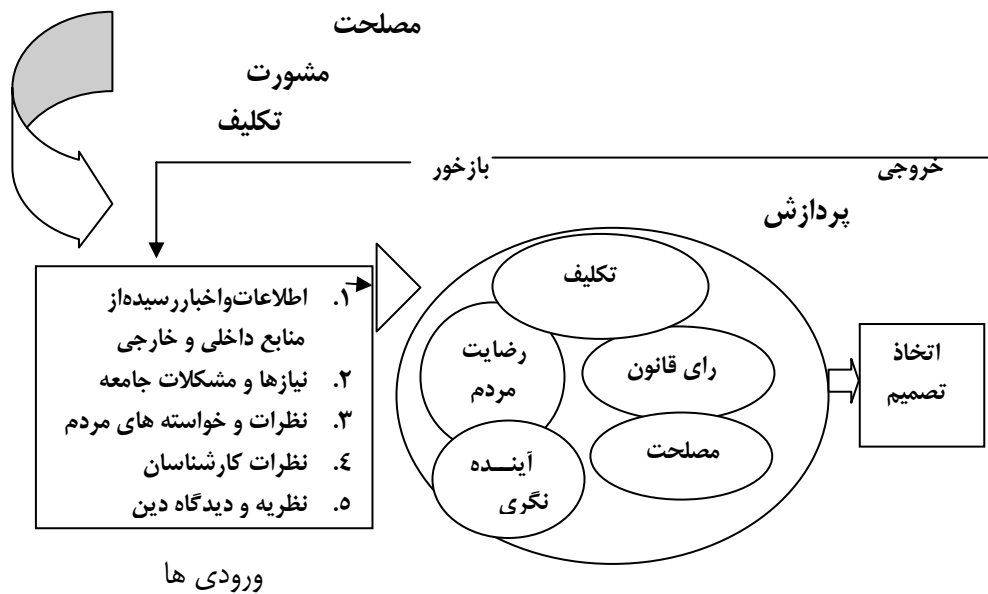
^۱ - امام(ره) در پیامی در خصوص قضیه اشغال لانه جاسوسی فرمودند: « امر گروگان ها، با نمایندگان مردم است تا نسبت به آزادی گروگانها و امتیازاتی که در قبال آنان باید بگیرند تصمیم بگیرند زیرا این مردمند که باید در جریانات سیاسی دخالت داشته باشند (صحیفه نور، ۱۲، ۱۶۲).



گیری در مورد مسأله قیمت‌ها در زمان جنگ (ستوده، ۴، ۱۳۷۴، ۱۹۲) و نمونه‌های بسیار دیگر همگی دال بر قاطعیت و سرعت تصمیم‌گیری ایشان دارد.

۵-۲-۲- کسب اطلاعات و اخبار: امام(ره) سازوکاری ترتیب داده بودند تا آخرین اطلاعات و اخبار ایران و جهان از تمام منابع و طرق موجود به ایشان منتقل شود، تا بهتر به تجزیه و تحلیل و ارزیابی جهت یک تصمیم‌گیری مطلوب پردازند. (وجدانی، ۲۴-۶۳) علی‌اکبر محتشمی می‌گوید، امام(ره) به دقت مواضع دشمن را بررسی می‌نمود. ایشان دستور داده بودند که تمام روزنامه‌ها، خبرگزاریها و اظهار نظرها در رادیو و تلویزیون بررسی شود و هر روز خلاصه‌ای از آنها، له و علیه انقلاب اسلام و مردم به ایشان داده شود. (رجائی، ۱۳۸۴، ۲۰۷) ۶-۲-۲- آرمانگرایی و آینده‌نگری: امام(ره) با تکیه بر باورهای عمیق مذهبی و اعتقاد به تحقق سنن الهی و ماهیت پدیده‌ها و حوادث اجتماعی و آموزه‌های دینی و با ایمان به اصل آرمان موعود گرایی و تحقق حاکمیت مستضعفین (ظهور منجی جهانی و غلبه نهایی حق بر باطل)، تصمیمات خود را بر آرمان گرایی و آینده‌نگری متکی می‌نمودند. (گودرزی، ۱۳۸۶، ۱۰۶ و ۱۲۲-۱۲۰) و پیش‌بینی فرجام بسیاری از رخدادهای سیاسی در زمان حیات ایشان، در این اصل مهم ریشه دارد: که در بخش برنامه ریزی به آن اشاره شده لذا ایشان تصمیمات را با افق آینده‌نگری نگریسته و فقط محدود و معطوف به حل مشکل نمی‌دانستند بلکه به تصمیم‌گیران نیز توصیه میکردند، رسیدن به آرمان مقدس اسلام، را جهت اصلی تصمیمات خویش قرار دهند. (صحیفه نور، ۱۹، ۳۳۱)

با توجه به اصول یاد شده و نظر به الگوهای چهار گانه تصمیم‌گیری، می‌توان نتیجه گرفت امام(ره) طراح الگوی نوینی از تصمیم‌گیری بودند که نگارنده نام الگوی عقلانی- الهی بر آن می‌نهد، که در آن تصمیم‌گیرنده براساس آرمان و تکلیف الهی، مشورت با خبرگان، و مبتنی بر اخبار و اطلاعات لازم، با رعایت اصل مصلحت و با توجه به نظرات و نیازهای مردم و جامعه و با رعایت و حفظ شان قانون و نهادهای قانون، و با قاطعیت عمل می‌کند. (نمودار شماره ۲)



نمودار شماره ۲- الگوی تصمیم گیری الهی- عقلانی در مدیریت سیاسی حضرت امام (ره)

۳-۲- سازماندهی: حضرت امام(ره) در جایگاه بنیانگذار انقلاب و رهبری انقلاب، به امر سازماندهی اهتمام ورزیدند و در اولین بیانات خویش بعد از انقلاب بر ضرورت سازماندهی، عمل گرایی و یکپارچگی همه اقشار با محوریت معنویت و اسلام و تأکید بر ضرورت صبر و کار دولت و ملت جهت اصلاح امور تأکید نمودند. (صحیفه نور، ۷، ۳۶۵) ایشان با طراحی ساختار حکومت اسلامی در همان دوران مبارزات با ارائه نظریه ولایت فقیه و عملی نمودن آن، مبتکر و طراح ساختار جدیدی از حکومت بر مبنای اسلام، در دنیای امروز بودند. نظام مبتنی بر نظریه ولایت فقیه ساختاری است منسجم و منظم که پاسخگوی نیازهای اساسی مدیریتی برای رهبران سیاسی است: نظامی که به اعتقاد برخی مبتنی بر الگوی ساختار سلسله مراتبی است که در راس آن ولی فقیه جامع الشرایط و با ویژگی های خاص در راستای حکومت انبیاء و ائمه اطهار (ع) قرار دارد و در مرتبه دوم نخبگان و علما به عنوان مشاوران ولی فقیه و در متن جریان حکومت، مردم و توده های آگاه و بیدار قرار دارند که با مشارکت در امور حکومت، در پی تحقق اهداف عالی اسلام



می باشد (دهشیری، ۱۳۷۹، ۳۸۶) به اعتقاد برخی دیگر (افتخاری، ۱۳۷۹، ۶۲) نظام سیاسی ولایی مبتنی بر ساختار مرکز و پیرامون است؛ بدین صورت که نهاد ولایت در کانون ساختار قرار گرفته که ضامن اسلامیت نظام است و از طرف دیگر نهادهای پیرامونی که حافظ جمهوریت نظام می باشد و شامل نخبگان و علما، نهادهای انقلابی فرهنگی و مناسک اجتماعی می گردد. مهمترین اصول سازماندهی که مورد عنایت امام(ره) بود عبارتند از:

۱-۳-۲- دین محوری: از نگاه امام(ره) آن چیزی که موجب سازماندهی و تشکل مردم ایران شده، دین و مذهب می باشد (صحیفه نور، ۴، ۲۰) مجالس عزای امام حسین(ع) به عنوان یکی از شعائر و مناسک اصیل شیعه مورد توجه و عنایت امام(ره) بوده است؛ ایشان می فرمودند: «این بیرق حسینی، اسباب این می شود که سازمان داده شده باشد. این مجالس عزاست که مردم را به هم جوش داده است.» ایشان تأکید نمودند که قدرتهای بزرگ با فعالیت و تبلیغات و زحمت زیاد، مردم را سازمان داده و جمع می نمایند و در ایران به خاطر این پدیده نیازی به زحمت و تبلیغات نیست (صحیفه نور، ۱۶، ۳۴۵) ایشان از دیگر مناسک و پایگاههای اسلامی مثل حج ابراهیمی و مساجد جهت سازماندهی نهایت استفاده را می نمودند ایشان اعلان براءت در جمع متولیان امور حج برای سازماندهی الهی در برابر جنود ابلیس و ابلیس صفتان بر شمردند (صحیفه نور، ۲۰، ۳۱۶) و بارها بر جایگاه رفیع مسجد در پیشبرد اصول سازماندهی تأکید کردند. ایشان بر وجود اساس و اصالت اسلامی در سازمانها توجه جدی داشته و عنصر محوری فداکاری برای اسلام و کشور را در سازماندهی ملت مورد تأکید قرار می دادند (صحیفه نور، ۱۳، ۲۱۱) ضرورت جهت گیری تشکیلات در مسیر اسلام و ملت از جمله لوازم تأیید سازمانها از نگاه امام(ره) است (صحیفه نور، ۷، ۴۵۵)

۲-۳-۲- تشکیل نهاد، سازمان و احزاب: امام(ره) جهت ساماندهی به امور، اقدام به تأسیس نهادها و تشکیلات انقلابی- اسلامی نمود. تشکیل شورای انقلاب در ۵۷/۱۰/۲۲، تشکیل دادگاههای انقلاب اسلامی در ۵۷/۱۲/۵، تشکیل کمیته انقلاب اسلامی در ۵۷/۱۲/۱۰، تأسیس سپاه پاسداران در ۵۸/۲/۲، تشکیل بسیج مستضعفین در ۵۸/۹/۵، راه اندازی نهضت سواد آموزی در ۵۸/۱۰/۷، تشکیل جهاد سازندگی در ۵۸/۳/۲۷، تشکیل بنیاد مستضعفان در ۵۸/۱۲/۹ و بنیاد شهید در ۵۷/۱۲/۲۲ تشکیل بنیاد مسکن در ۵۸/۱/۲۱، تشکیل شورای عالی تبلیغات اسلامی در ۶۰/۴/۱، تأکید بر آزادی اجتماعات حزبی و مردمی (صحیفه نور، ۴، ۲۶۶) موافقت با تشکیل حزب جمهوری اسلامی به پیشنهاد

شهید بهشتی. (رجائی، ۱۳۸۴، ۲۴۲) موافقت با انشعاب در جامعه روحانیت و تشکیل مجمع روحانیون مبارز، حکم تشکیل ستاد کمک رسانی به مردم مناطق بمباران شده به آقای مهدوی کنی در ۶۲/۷/۱۴ (صحیفه نور، ۱۸، ۱۸۰) و موافقت یا دستور تشکیل ستاد و تشکیلات برای ساماندهی امور بنا به نیاز و ضرورت گسترش تشکیلات نظامی، از جمله تأسیس نهادهای نیروهای سه گانه ارتش و سپاه جهت طراحی و اجرای عملیات های دفاع مقدس از جمله تدابیر امور در خصوص سازماندهی بود.

۳-۲-۳- مردم گرایی و بسیج همگانی: امام(ره) با اعتقاد و اعتماد فوق العاده به مردم، اقدام به تشکیل بسیج بیست میلیونی نموده و همواره بر سازماندهی مردمی و فراگیر تأکید می نمودند. (صحیفه نور، ۱۳، ۲۱۱) همه اقشار مردم مخصوصاً جوانان بسیجی به فرمان امام(ره) در پایگاههای مقاومت تحت عنوان بسیجی گرد آمدند و با اشاره ایشان به جبهه ها هجوم برده و نقش عمومی در پیروزی رزمندگان ایفا نمودند. محسن رضایی فرمانده سپاه در زمان جنگ می گوید که عامل اصلی پیروزیهای عظیم نظامی در جنگ، بسیجیان بودند. (روزها و رویدادها ۳، ۲۰۰) امام(ره) در واقع با بینش و بصیرت عمیق، حضور بسیجیان و مردم را در عرصه جهاد نظامی، علمی، فرهنگی، سیاسی و ... خواستار شدند: «باید هر جوانی، یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام و همه مردم و هر کس در هر شغلی که هست مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و الحاد و هجوم بیگانگان.» (صحیفه نور، ۱۹، ۳۲۰) امام(ره) بسیج همگانی و مستضعفین را محدود به ایران نمی دانستند و معتقد به تشکیل هسته های مقاومت در تمامی جهان بودند. (صحیفه نور، ۲۱، ۵۳)

۴-۳-۲- تقسیم کار: امام(ره) در جهت انتظام بیشتر و کیفی تر امور، بر ضرورت تفکیک وظایف در قوا تأکید داشتند (صحیفه نور، ۸، ۳۹۹) ایشان در پیامی به نخست وزیر و هیات دولت، آنان را به عدم دخالت در امور یکدیگر فراخواندند و دخالت در امور را هر چند مترتب بر رشد و به قصد دلسوزی باشد جایز ندانسته و ضرر آن را بیشتر از نفع آن می دانستند (صحیفه نور، ۲۱، ۵-۶۴) تأسیس نهادهای انقلابی و دیگر تشکیلات لازم را می توان در همین راستا ارزیابی نمود که هر یک متکفل امور مهمی در اداره و ساماندهی امور بودند: بسیج، کمیته انقلاب اسلامی با مأموریتهای چند گانه، جهاد سازندگی جهت استقرار عدالت اجتماعی و اقتصادی، سازمان تبلیغات جهت تقویت و نشر ارزشهای اسلامی سپاه پاسداران با مأموریت های پاسداری از دستاوردهای انقلاب در ابعاد مختلف، شواری





انقلاب جهت انتظام در سیاستگذاری، شورای نگهبان بازوی حقوقی انتظام ملی، مجلس خبرگان حفظ وتقویت جایگاه ولایت فقیه در نظام، مجمع تشخیص مصلحت نظام، حفظ انتظام در بحرانها، نهضت سوادآموزی جهت ساماندهی ملت براساس شعور و آگاهی (افتخاری، ۱۳۷۹، ۱۵۴-۱۳۷) و ...

۵-۳-۲- اصل سلسله مراتب، در عین برادری: امام(ره) بارها نسبت به ضرورت رعایت نظم و سلسله مراتب در ارگانهای دولتی خصوصاً نظامی تأکید نمودند: «ارتش اسلامی، باید با حفظ سلسله مراتب و نظام صحیح اسلامی و اطاعت کامل زیر دست از مافوق ورعایت کامل مافوق از زیر دست اداره شود. متخلف از این امر، ضد انقلاب است و مورد مؤاخذه خواهد بود (صحیفه نور، ۷، ۲۱) ایشان به مسؤولان نظام تأکید کردند باید برای خدا، مراتب و سلسله مراتب را حفظ کنید و اگر بنا باشد هر کس خودش رأی بدهد و علی حده عمل کند؛ آن وقت است که معنویات و موفقیت های عادی هم از بین می رود و شما می دانید وقتی پیغمبر با اصحاب در مسجد می نشست. اگر کسی وارد می شد نمی دانست کدام یک، پیغمبر است. با این حال، همه مامور اطاعت از او بودند با هم برادر هستیم. لیکن اگر نظام نباشد برادری هم از بین می رود. (صحیفه نور، ۱۷، ۱۵)

۶-۳-۲- تفویض امور و اختیارات: یک مدیر موفق، مدیری است که باشناسایی افراد صالح، مورد اعتماد، کارآمد، متعهد و متخصص، بسیاری از امور را به ایشان واگذارد. اصلی که امام(ره) به خوبی به آن جامه عمل پوشید. تفویض اختیارات فرماندهی نیروهای مسلح به بنی صدر در ۵۹/۲/۱۷ (صحیفه نور، ۱۲، ۲۷۶)، واگذاری اختیارات فرماندهی نیروهای مسلح به ستاد ارتش و شهید سرلشکر فلاحی تا تعیین جانشین فرماندهی کل قوا بعد از عزل بنی صدر در ۶۰/۳/۲۱ (صحیفه نور، ۱۴، ۳۴۱)، تفویض اختیارات در امور نیروی انتظامی به منظور رفع مشکلات به علی اکبر ناطق نوری در ۶۰/۱۲/۲۷ (صحیفه نور، ۱۶، ۱۱۶)، واگذاری اختیارات اقتصادی در مورد تهیه و توزیع کالا و سایر امور اقتصادی به وکلای مجلس در ۶۲/۲/۲۳ (صحیفه نور، ۱۷، ۴۳۳)، تفویض اختیارات فرماندهی کل قوا به وزیر کشور برای اصلاح مقررات و ترفیع و تشویق نیروها در امور نیروی انتظامی در ۶۴/۸/۲۲ (صحیفه نور، ۱۹، ۴۲)، تفویض اختیارات ولی امر به آقای فاضل هرنندی در هیأت هفت نفره واگذاری زمین در ۶۸/۲/۹ (صحیفه نور، ۲۱، ۳۷۲)، (صحیفه نور، ۲۱، ۵۵۷) نصب نماینده در استانها و نهادها و سازمانها و ... از جمله تدابیر امام(ره) در اصل تفویض امور و اختیارات بود.



۷-۳-۲- نوگرایی و خلاقیت و دقت: ایجاد تشکیلات با هدف تحقق آمال انبیاء (صحیفه نور، ۱۶، ۱۶۱) و انسان سازی (صحیفه نور، ۱۲، ۵۰۴) و با محوریت اسلام (صحیفه نور، ۷، ۱۸۵) و نیازمند زحمت زیاد (همان) و زمان مناسب (صحیفه نور، ۳، ۳۹۶) و دقت، خلاقیت و نوآوری بود که امام(ره) بارها به متصدیان امور، توجه به ایجاد تشکیلات نوین را گوشزد نموده بودند. (صحیفه نور، ۱۲، ۱۶۳)

۴-۲- هدایت: هدایت یکی از مهمترین و محوری ترین شاخصه های مدیریتی بود که امام(ره) به عنوان یک شخصیت اسلامی و معتقد به اسلام، به عنوان یک رسالت و وظیفه اسلامی، به آن نگریده و تمام تلاش خود را با شیوه های مختلف جهت ایجاد بصیرت و هدایت با استفاده از انگیزش و ارتباطات در جامعه تا نیل و وصول به هدف اصلی جامعه دینی و رسیدن به کمال، به کار گرفت. این شاخصه شامل سه بخش رهبری، انگیزش و ارتباطات است که به آن پرداخته می شود.

۱-۴-۲- رهبری: مهمترین نکته در رهبری امام(ره)، قدرت نفوذ مؤثر ایشان در اداره امور و راهبری و جهت دهی جامعه به سمت و سوی اهداف مطلوب است. حال به بررسی منابع قدرت نفوذ مؤثر امام(ره) می پردازیم:

اول- قدرت مرجعیت و شخصیتی: غنای شخصیتی و ویژگی های فراکاریزمایی امام(ره)، موجب گردید تا غالب مسؤولان و آحاد مردم، به امام(ره) عشق بورزند و اطاعت از امام(ره) براساس ویژگی های بی نظیر شخصیتی که در امام(ره) وجود داشت و موجب، جلب اعتماد و علاقه مردم گردید، صورت پذیرد به طوریکه سخنان و دستورات ایشان به عنوان فصل الخطاب امور، مورد پذیرش همگان قرار گیرد. از جمله ویژگی های شخصیتی امام(ره) که به برخی از آنها اشاره شد عبارتند از: اسلام محوری، خدا محوری و اخلاص، مردم باوری، مردم دوستی، مردم محوری، دانایی جامعیت علمی امام(ره) در فقه، فلسفه، اصول، تفسیر، اخلاق، عرفان و ...، مرجعیت دینی و اخلاقی، اعتماد به نفس، قاطعیت، صبر و استقامت، اشتباه پذیری، حقیقت نگر، ساده و روان سخن گفتن (بیان نافذ)، از اعماق جان سخن گفتن، صراحت، ایثار و گذشت، تقدم مردم و دیگران بر خود، پناهگاهی مطمئن برای مستضعفین و محرومین، نظم و انضباط در امور شخصی و اجتماعی و احیاء روحیه غرور، خودباوری در مردم، عزت بخشی به مسلمین و ظلم ستیزی.

دوم- قدرت قانونی: امام(ره) علیرغم قدرت والا و نفوذ مؤثر بی نظیر خویش در میان مسؤولان، با تأکید بر گنجاندن اصل ولایت فقیه در قانون اساسی، علیرغم مخالفت ها و



کارشکنی برخی مسؤولان وقت از جمله مهندس بازرگان و همراهان وی در صدد قانونمند نمودن اصل رهبری ولایت فقیه و اختیارات مطلقه وی جهت اداره امور بودند. امام(ره) هنگامی که فهمیدند بازرگان در اعتراض بر گنجاندن ولایت فقیه در قانون اساسی تصمیم گرفته اند که یا انحلال مجلس خبرگان را مطرح کنند و یا استعفای دسته جمعی بدهند در مقابل آنها ایستادند و به آنها فرمودند که با استعفایشان موافقت خواهند کرد (همان، ۱۱۳).

سوم- قدرت انگیزش و پاداش دهی: با توجه به جهان بینی و آخرت نگری امام(ره) و همچنین مؤمن بودن قاطبه مردم، ایشان ضمن تشویق مسؤولین و مردم، به انجام وظایف خویش، آنان را به پیروزی و نصرت الهی، وعده داده و پاداش های اخروی را یادآور می شدند.

چهارم- قدرت روشنگری و بصیرت دهی: درباره این قدرت در ادامه بحث خواهد شد با توجه به این منابع قدرت، امام(ره) قدرت رهبری خویش را در درجه اول با تکیه بر شخصیت ممتاز و برجسته که ذوب در اسلام بود بدست آورد. سپس آن قدرت را به صورت قانونی، تثبیت و نهادینه نمودند. آنگاه با استفاده از دانایی و توانایی خویش، در عرصه اداره کشور، و شیوه های انگیزشی و اعتماد بخش و روشنگر، عملاً قدرت رهبری خویش را، به منصفه ظهور گذاشتند.

تلاش امام(ره) از ابتدای نهضت و بعد از پیروزی انقلاب، این بود که مردم، رشد یافته و خودشان در استقلال و آزادی، جمهوری اسلامی و ابعاد و سطوح گوناگون آن احساس مالکیت کنند و آن را خود اداره کنند. امام(ره) با الهام از تعالیم اسلامی درباره وظایف امام(ره) که تعلیم و تربیت امت است (نهج البلاغه، خطبه ۳۴۰ و آیات مختلف قرآن کریم)، همچنین با تکیه بر مبانی انسان شناختی و جامعه شناختی امام(ره) و دمیدن روح خودباوری و اعتماد به نفس در جامعه انسانی، یادآور شدند که کمال جویی آنها جز در سایه رشد سرمایه های مادی و معنوی تحقق نمی یابد. امام(ره) معتقد بودند اجتماعات مردمی باید پایگاه تعلیمات باشد و از این طریق، نهضت فکری سیاسی اسلام، توسعه یابد (ولایت فقیه، ۱۳۷۹، ۱۳۲) ایشان از هر فرصتی جهت اطلاع رسانی روشن و سازنده نسبت به مسائل مادی و معنوی بهره می گرفتند و ضرورت آن را برای اداره جامعه اسلامی متذکر می شدند (صحیفه نور، ۶، ۵۰۸)

ایشان بارها مسؤولین و ملت را به بصیرت یابی فراخواندند (صحیفه نور، ۲۱، ۹۱) ایشان فهم و بصیرت واقعی را در گرو خدا محوری می دانستند (صحیفه نور، ۱۶، ۱۲۹)

ایشان در برهه های مختلف انقلاب در جهت دهی مردم و مسؤولین به راه صحیح که راه اسلام و قرآن و ارزشها و آداب اسلامی قانون اساسی و منافع و مصالح جامعه و امت اسلام می باشد از هیچ کوششی دریغ نکردند امام(ره) با آگاهی کامل از آرزوها و انتظارات و ارزش های حاکم بر جامعه اسلامی، از طریق انگیزش و ارتباطات که دو اصل مهم در هدایت است به بصیرت بخشی به جامعه اقدام نمودند.

۲-۴-۲ - انگیزش: شناخت انگیزش کلید اداره دیگران است. (جاسی ۱۳۸۰، ۱۰۵) و برخی اندیشمندان مدیریت معتقدند، رمز موفقیت امام(ره) در اداره جامعه، قدرت بالای انگیزش بود، امام(ره) براساس مبانی انسان شناختی و جامعه شناختی و توجه به نیازهای فطری و غریزی به عنوان دو بعد اساسی از نیازهای انسانی و کمال طلبی عقل گرایی و حس گرایی و حق طلبی و ... از شاخص های زیر در انگیزش مردم و مسؤولیت نهایت بهره برداری را نمودند.

اول- وطن دوستی: تأکید امام(ره) بر عرق وطن دوستی در کنار اسلام دوستی که موجب حضور مردم در صحنه ها بود (صحیفه نور ۱۴، ۲۸۵) ایشان در جایی دیگر فرمودند «ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم (صحیفه نور، ۲۱، ۲۸۳) و سیره تربیتی امام(ره) در کنار انگیزش سیل عظیم مردم مومن دیندار، عامل حضور مردمی را فراهم نمود که با دین رابطه تنگاتنگی نداشتند.

دوم- رضایت مردم: امام(ره) با فراهم نمودن ساز و کارهای قانونی و اجتماعی جهت حضور پرشور مردم در عرصه تعیین سرنوشت و تصمیم گیریهای مهم و حیاتی، موجبات رضایت آنها را فراهم نمودند تأکید امام(ره) بر حضور مردم برای رفع مشکلات (صحیفه نور، ۱۵، ۳۹۷) ناظر بر تحریک رضایتمندانه مردم جهت حضور مؤثر در رفع نیازها و مشکلات عمومی است. امام(ره) بارها به مسؤولان جهت جلب رضایت مردم در همه امور، تأکید می کردند (صحیفه نور، ۱۸، ۴۳۷ و ۳۷۸)

سوم- توجه و تامین نیازهای معنوی و مادی: امام(ره) توجه جدی و ویژه به تامین نیازهای مردم داشتند:

الف- نیازهای اولیه (جسمی- زیستی): تأکید امام(ره) بر ضرورت توجه به نیازهای مردم (صحیفه نور، ۲۱، ۲۸۸ و ۳۱۹۰ و ...) و ضرورت رفع نیازها (صحیفه نور، ج ۷، ۲۱۷، ۹، ۴۰۹ و ۵، ۲۰۲ و ...) توجه به نیازهای اولیه و زیستی (صحیفه نور، ۱۲، ۴۳۷ و ...) تشکیل نهادهایی جهت رسیدگی





به وضعیت معیشت و نیازهای مادی مثل بنیاد مسکن، کمیته امداد امام خمینی(ره) و ... و تشکیل ستادهایی جهت رسیدگی به وضعیت مناطق محروم از جمله ستاد کمک رسانی به مناطق بمباران شده (صحیفه نور، ۱۸، ۱۸۰) ناشی از توجه جدی امام(ره) به نیازهای اولیه و فیزیولوژیک است.

ب- نیازهای ثانویه (روحی- اجتماعی): دمیدن روح اعتماد به نفس، هدایت، خودباوری در ملت و مسؤولین تقدیر و شخصیت بخشی به افراد جامعه، فراهم نمودن زمینه های ایجاد و حفظ امنیت، آرامش روحی، روانی و اجتماعی در جامعه از طریق توجه دادن به خدا که مایه آرامش دلهاست (رساله طلب و اراده، ۱۳۶۲)، تأسیس نهادهای انقلابی بسیج، کمیته انقلاب اسلامی و سپاه پاسداران و اصلاح ژاندارمری و ارتش قوای انتظامی جهت تامین امنیت داخلی و مرزی کشور و تأکیدات مکرر جهت حفظ امنیت (صحیفه نور، ج ۲۱، ۴۲۱ و ...) تأسیس ستاد و نهادهای فرهنگی مثل سازمان تبلیغات اسلامی، ستاد انقلاب فرهنگی و نهضت سواد آموزی و ... جهت تامین نیازهای علمی و معنوی جامعه و... از جمله مصادیق اهتمام امام(ره) بر تامین نیازهای روحی - اجتماعی است.

پنجم- اصل تشویق و تنبیه: قدردانی از افرادی که وظایفشان را درست انجام داده اند و انتقاد و اخطار در صورت لزوم تنبیه و عزل افرادی که درانجام امور محوله سستی و بی دقتی و انحراف داشته اند از اصول محکمی بود که امام(ره) بخوبی از آن بهره گرفتند. توجه دادن دولت، مسؤولین و ملت، رزمندگان در دوران دفاع مقدس و ... به نصرت رضایت الهی و یاد خدا در کنار تقدیر از زحمات، تلاشها و وظایف مسؤولین (صحیفه نور، ۱۷، ۴۴۱ و ۵۱۰) تقدیر از رزمندگان و ملت بسیجی به خاطر سلحشوریها، فداکاریها و ایثار و ... درجنگ علیه دشمن (صحیفه نور، ۱۵، ۳۹۵، ۲۰ و ۱۹۶) تجلیل از کارکنان و کارمندان دولت مخصوصاً کارکنان صنعت نفت و دیگر مراکز تولیدی و صنعتی در امر بازسازی (صحیفه نور، ۲۱، ۲۳۱) از مصادیق تشویقات امام(ره) بود. برخورد قاطع امام(ره) در برابر کسانی که نسبت به منافع و مصالح ملت و اسلام بی توجه بودند، گلایه از مسؤولین به خاطر عدم برخورد های انقلابی با خرابکاران (صحیفه نور، ۹، ۲۹۷) موافقت با استعفای دولت موقت به خاطر عدم مواضع انقلابی، عزل بنی صدر از جانشینی فرماندهی کل نیروهای مسلح به خاطر عدم شایستگی، عزل منتظری از قائم مقام رهبری به خاطر ساده لوح بودن و... امام(ره) با

الهام از تعالیم اخلاقی و اجتماعی اسلام از دیگر مؤلفه های انگیزش ساز مثل عدالت محوری و عدم تبعیض، مشورت با افراد، تواضع، رفق و مدارا و ... نیز استفاده می نمودند. ۳-۴-۲- ارتباطات: ارتباطات مؤثر و کارساز امام(ره) به عنوان یکی از عوامل و مؤلفه های موفقیت امام(ره) در رهبری و مدیریت انقلاب به شمار می رود امام(ره) به خوبی می دانست، مدیری موفق است که دارای ارتباطات هدفمند، وسیع، مؤثر، عمیق با محیط پیرامونی باشد. با توجه به عناصر و اجزای مهم ارتباطات، اصول حاکم بر ارتباطات حضرت امام(ره) را می توان به طور خلاصه برشمرد:

اول- فرستنده: اولین مرحله از فرآیند ارتباطات مربوط به فرستنده است. میزان اعتبار و شخصیت فرستنده، نقش مهمی در میزان اعتبار پیام دارد و جامعیت علمی امام(ره)، تیزهوشی، بصیرت و آگاهی ایشان از مسائل در کنار بیان نافذ، گویا، صریح، روشن و در عین حال ساده و به دور از لفافه و پیچیدگی که برای همگان قابل درک بود، اعتبار پیام و ارتباط امام(ره)، را در جایگاه ممتازی قرار می دهد. لحن همراه با تواضع، نرم خویی هنگام برخورد با مردم در کنار صلابت و قاطعیت در مورد تحقق اهداف اسلام انقلاب و منافع ملی را نیز باید بر ویژگی های برجسته ارتباطی امام(ره) افزود.

دوم- پیام: مفید بودن، موجز و مختصر بودن، صریح، ساده و روشن بودن، متانت، صداقت و صراحت کلام امام(ره) نیز بر اعتماد و شوق گیرنده در پذیرش پیام ایشان مفید بود.

سوم- کانالهای ارتباطی: امام(ره) هیچگاه از نحوه صحیح و مؤثر ارتباط، غافل نبودند، استفاده از هنر قصه، تشبیه، تمثیل، خاطرات تاریخی ... بارها از سخنان، پیام ها و نوشته های امام(ره) دیده می شود (صحیفه نور، ۱۱، ۳۳۸ و ۱۳ و ۱۷۹ و ۱۸، ۳۳ و ۴۵۳، ۱۹، ۴۷۷) ارتباط چهره به چهره و مستقیم دیدار با مسؤولین، فرماندهان، عموم مردم و همه اصناف کارگران، کارمندان، بازاریان، روحانیون و دانشگاهیان، محرومین و خانواده های شهداء و ... به صورت روزانه و هفتگی در برنامه کاری امام(ره) قرار داشت. استفاده از موعظه، تبلیغ سخنرانی، پیام های متعدد، نامه نگاری، مصاحبه با رسانه ها و ... از دیگر شیوه های مورد استفاده در ارتباطات امام(ره) بود. توجه ویژه به کانون های ارتباطی مؤثر، یکی از ویژگی های برجسته امام(ره) بود. مهمترین رسانه هایی که مورد عنایت امام(ره) بودند عبارتند از:





مساجد، نماز جمعه، محافل عبادی، سیاسی و عزاداری مخصوصاً عزاداری سیدالشهداء، رسانه های گروهی مثل صدا و سیما و مطبوعات.

چهارم - هماهنگی بین گفتار و کردار امام(ره): امام(ره) هر موعظه و نصیحتی به مسؤولین و مردم می نمودند خودشان در حد اعلاء به آن عمل می نمودند و در این عرصه پیشقدم بودند (رجائی، ۱۳۸۴).

پنجم - خیرخواهی و دلسوزی امام(ره) نسبت به مردم: توجه جدی امام(ره) در خدمتگزاری به مردم و مخصوصاً محرومین و رسیدگی به مشکلات و نیازهای آنان از موارد قابل تحسین است. غافل نشدن امام(ره) از مسائل جزئی و نیازهای مناطق کوچک به بهانه رسیدگی به مشکلات کلان از ویژگی های برجسته ارتباطات مؤثر امام(ره) بود. ششم - موقعیت سنجی: امام(ره) متناسب با شرایط مقتضیات و مخاطبین در ارتباط با آنان به موعظه، پیام شفاهی، پیام کتبی، توبیخ یا اخطار، عزل، تمجید و تحسین و تقدیر و ... می پرداخت.

هفتم - عوامل ظاهری و مادی: امام(ره) توجه ویژه ای به ظاهر، نظافت و زیبایی خود داشتند پوشیدن لباسهای تمیز و سفید و توجه و دقت به کوچکترین لکه یا کثیفی در آن حتی در بیمارستان و در حالت ضعف، اطو کردن بیژامه، زیر پیراهن و حتی دستمال، توجه به رنگ لباس، تقید به مسواک، مرتب کردن خود در آینه قبل از خروج از منزل، توجه به هماهنگی رنگ لباس خود، قرار دادن آینه، شانه و دو شیشه عطر در کنار خود و گوشه ای از اهتمام فراوان امام(ره) به مسائل ظاهری است (رضائی زاده، ۱۳۸۶، ۷-۲۳۶)

هشتم - عوامل معنوی: محبت و صمیمیت کانون ارتباطات مؤثر در سیره نظری و عملی امام(ره) است. امام(ره) به مردم عشق می ورزید و همواره خود را خادم آنها می دانستند و برای خود افتخاری بزرگ تلقی می کردند. (صحیفه نور، ۳۳، ۱۲، ۱۵۱، ۱۱، ۳۴) و به مسؤولین نیز تأکید داشتند که خدمتگزار باشند. (صحیفه نور، ۱۹، ۳۶۸، ۱۲، ۳۵۱ و ...) ایشان نسبت به رزمندگان و ملت سلحشور ایران می فرمودند «من بین خودم و شما فاصله نمی بینم» (صحیفه نور، ۲۱، ۱۸) و در جایی دیگر فرمودند: «این جانب دست یکایک شما را می فشارم (صحیفه نور، ۲۰، ۲۴۷) و بارها اظهار محبت ایشان نسبت به رزمندگان بصورت عملی، در خاطرات نقل شده است. (شیدائیان، ۱۳۸۰، ۷۶) ملاقات های عمومی و خصوصی با اقشار مختلف

مخصوصاً رزمندگان و خانواده شهداء در حالیکه وضع مزاجی امام(ره) نامناسب بود بیانگر محبت عمیق امام(ره) نسبت به مردم بود.

۵-۲- نظارت و کنترل: امام(ره) با آگاهی کامل از ضرورت کنترل و نظارت، جهت تحقق اهداف و آرمانهای انقلاب اسلامی در هدایت و رهبری جامعه، به اصول و شاخصه های مهم کنترل و نظارت عنایت ویژه داشتند. مهمترین اصول مورد عنایت امام(ره) در نظارت و کنترل عبارتند از:

۱-۵-۲- خودکنترلی: خودکنترلی، محوری ترین اصل در رفتار مدیریتی امام(ره) در نظارت است. خودکنترلی در واقع یک نوع مراقبت درونی است که براساس آن وظایف محوله انجام و رفتارهای ناهنجار و غیرقانونی ترک شود بی آنکه نظارت بیرونی باشد و تنها علت درونی موجب رفتار می گردد (پیروز و دیگران، ۱۳۸۴، ۳۱۷) مهمترین عواملی که منجر به قدرت خودکنترلی می گردد عبارتند از: اعتقادات و باورهای دینی، تقوی، میهن دوستی، ارزش های انسانی وجدان و توفیق طلبی.

اول - اعتقادات و باورهای دینی: مبنای باورهای امام(ره) براساس اعتقاد به توحید و معاد شکل یافته است لذا در درجه اول عالم محضر خداست و در محضر خدا نباید معصیتی انجام داد و انسان باید در انجام هر عملی در این فکر باشد که کمال مطلق او را می بیند «الم يعلم بان الله یری» از طرفی دیگر ایمان به معاد و آخرت نگرایی گویای آن است که هستی محدود به این جهان نیست و این جهان مقدمه جهان بزرگتری است که جزای اعمال این دنیا، در آن جا، داده می شود و حیات حقیقی و جاودانه دنیای آخرت است.

دوم- تقوی: تقوی، در واقع ثمره اعتقاد به خدا و معاد است. برخی خودکنترلی را مترادف تقوی دانسته اند که معیار فضیلت و افتخار شخصیت انسان در اسلام محسوب می شود. (همان، ۳۱۸)، رعایت تقوا، در تمامی لحظات زندگی امام(ره) مشهود است: تأمل قبل از عمل، تأمل حین عمل، تأمل بعد از عمل. پرهیز از سخنان خلاف واقع، پرهیز از سخنان تلافی جویانه، پرهیز از گوش دادن به سخنان تخریبی افراد، پرهیز از نگاه خشم آلود و ... از جمله مواردی است که در مورد هر یک، داستانهای بی شماری از نزدیکان امام(ره) نقل شده است (رضایی زاده، ۱۳۸۶ ۲۳۰-۲۲۰)





سوم - مهین دوستی: امام(ره) علاوه بر اینکه به میهن اسلامی عشق می ورزیدند، بسیاری از رفتارهای ملت و مجاهدان را در این راستا می دانستند. ایشان بارها حس میهن دوستی و علاقه و عشق به میهن عزیز را در بیانات و پیام های خویش متذکر می شدند و از این عشق تقدیر می نمودند (صحیفه نور، ۱۷، ۱۹، ۱۶۷، ۲۱، ۱۴۹، ۳۵۵)

چهارم - وجدان: امام(ره) علاوه بر اینکه خود دارای وجدان الهی بودند؛ بارها مسؤولین و ملت را در توجه به وجدان بیدار می کردند: ایشان می فرمودند: «چطور وجدان یک انسان هر چه پلید باشد، راضی می شود برای احتمال رسیدن به یک مقام با میهن خود و ملت خود اینگونه رفتار کند. (صحیفه نور، ۲۱، ۴۲۷) در جایی دیگر فرمودند اینک شما باید و این بار سنگین امانت الهی و تکلیف اسلامی و وجدان و فطرت خود (صحیفه نور، ۲۰، ۹۵). ایشان در پیامی به نمایندگان مجلس تأکید کردند که هر کس در نزد وجدان خود تشخیص رفتار و گفتار و نوشتار خود را می دهد (صحیفه نور، ۱۸، ۴۶۶) و درباره برخی مسؤولین فرمودند امیدوارم که اینها هم برحسب وجدان انسانی عمل بکنند و آنچه که هست گزارش بدهند (صحیفه نور، ۱۷، ۴۷۶)

پنجم - ارزش های انسانی و اسلامی: ارزش محوری در سیره امام(ره)، زبانزد خاص و عام است و نیازی به توضیح ندارد. رعایت نظم، قداست کار، تکلیف گرایی، انجام کامل کار، عدالت محوری، صرفه جویی در بیت المال، ساده زیستی و توجه دادن به کرامت انسان، کمال جویی، توفیق طلبی انسان و ... از جمله ارزش هایی بودند که در عمل و توصیه های امام(ره) مورد عنایت بودند (رضایی زاده، ۱۳۸۶)

۲-۵-۲- نظارت همگانی: کنترل و نظارت همگانی، که در قرآن و روایات از آن به «امر به معروف و نهی از منکر» تعبیر می شود و از ضروریات و احکام بدیهی اسلام است مورد اهتمام جدی امام(ره) قرار داشت. ایشان امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه همگانی دانسته (صحیفه نور، ۱۳، ۴۶۷) و می فرمودند: این کشور باید همه افرادش امر به معروف و ناهی از منکر باشد» (صحیفه نور، ۱۳، ۴۶۹) و تأکید می کردند که «شما و ما موظفیم که هم در تمام اموری که مربوط به دستگاههای اجرایی است امر به معروف کنیم. نگذارید که بعضی افرادی که نفوذ کرده است در همه ارگان ها، اینها خلافی بکنند. خلاف شرعی بکنند، خلاف عرفی بکنند و آنها را امر به معروف کنید و از منکرات نهی کنید. (همان، ۴۷۰)

۳-۵-۲- نظارت مستقیم: امام(ره) نسبت به مسائل مهم و حیاتی نظارت مستقیم داشتند و علاوه بر آن جزئیات مسائل مملکت را به دقت زیر نظر داشتند ایشان اخبار و اطلاعات را از رسانه های گروهی داخلی خارجی اعم از تلویزیون، رادیو، مطبوعات و بولتن ها دنبال می کردند که به برخی از آنها اشاره می شود: شنیدن اخبار در تمام ساعات، پخش اخبار رادیو و تلویزیون، حمل رادیو با خود در تمام مواقع از جمله هنگام حمام، دستشویی، وضو گرفتن، قدم زدن، اعتراض به آهنگ پخش شده در رادیو پس از اذان صبح، اعتراض به حذف شعار مرگ بر شوری در مراسم حج پس از آگاهی از طریق رسانه های گروهی، شنیدن سخنرانی مسؤولین، مطالعه دقیق روزنامه و بولتن های متعدد و مطالعه نشریات مخالف و معاند، شنیدن اخبار و اطلاعات از تمام افراد به طور جداگانه، مطالعه ترجمه بخشهای غیرفارسی رادیوهای بیگانه، (رضایی زاده، ۱۳۸۶، ۲۲۵) دقت امام(ره) در گزارشات رسیده، گوش کردن مذاکرات مجلس (رجایی، ۱، ۲۷۹).

از دیگر جلوه های نظارت مستقیم امام(ره)، تشکیل جلسات سران قوا در حضور امام(ره) بود که بارها صورت گرفت.

۴-۵-۲- نظارت غیر مستقیم: این شیوه نظارت، برای سازمانهای بزرگ و نظام های سیاسی متداول، رایج و کارکنان می باشد. امام(ره) نیز به این اصل توجه داشته و تصریح می کردند من که نمی توانم در همه امور دخالت کنم بالاخره من اشخاص دارم، باید اشخاص دخالت کنند (رجائی، ۱۳۷۸، ۲۱۱) ایشان به چهار طریق بر امور نظارت غیر مستقیم داشتند:

اول- نظارت نمایندگان و فرستادگان امام(ره): امام(ره) با انتصاب نمایندگان در نهادهای مختلف اقتصادی، فرهنگی، سیاسی نظامی و ... استانهای کشور، وظیفه نظارت و ارشاد را به عنوان مهمترین مسؤولیت و مأموریت به آنها ابلاغ می نمودند.

دوم - نظارت روحانیون و نخبگان: امام(ره) بر نظارت شخصیت های علمی، فرهنگی، دینی و مذهبی خصوصاً ائمه جمعه و روحانیون بلاد در امور استان ها و همچنین در دانشگاهها و مراکز دیگر تأکید می کردند. (صحیفه نور، ۱۹، ۳۱۶ و ۲۰، ۱۴۳ و ...) و نظارت علماء بر زمامداران را لازم می دانستند (صحیفه نور، ۸، ۴۳۶) ایشان همچنین بر نظارت روحانیون در برنامه ریزی، جهت تسریع امور، تأکید می ورزیدند (صحیفه نور، ۱۷، ۱۲۱)





سوم - نظارت مخفیانه: بارها نقل شده است که امام(ره)، افرادی را به صورت ناشناس به مراکز عملیاتی از جمله جبهه ها اعزام می کردند تا گزارش وضعیت مناطق مختلف را به ایشان بدهند (آقا بابایی، ۱۳۸۵ و ۳۹۹)

چهارم - نظارت نهادی: امام(ره) بر نظارت نهادهای مختلف کشور در امور مربوطه تأکید می ورزیدند نظارت مجلس بر همه امور (صحیفه نور، ۸، ۴۶۶)، نظارت در دولت (صحیفه نور، ۱۹، ۴۰۹) نظارت قوه قضائیه و مخصوصاً سازمان بازرسی و تعقیب قانونی متخلفین (صحیفه نور، ۱۵، ۳۹۲) مسئولین نهادها و قوانین موظف بودند که گزارش امور را به امام(ره) منعکس نمایند. امام(ره) علاوه بر اشراف و نظارت بر قوا و نهادهای مختلف، بر اساس اصل ۹۱ قانون اساسی امام(ره) با انتخاب شش نفر فقیه در شورای نگهبان، بر مصوبات مجلس نیز نظارت می نمودند.

۵-۵-۲- نظارت معطوف به ارشاد: هدف نظارت، اصلاح و جلوگیری از انحراف است؛ لذا بارها به ناظران تأکید می کردند نظارت بایستی همراه با هدایت و ارشاد باشد. (صحیفه نور، ۱۷، ۱۰۷، ۴۱) و این یکی از وجوه تمایز نظارت اسلامی با نظارت غیر اسلامی است. ایشان همواره بر نقش هدایتگر و ارشاد گونه خویش تأکید می کردند. (رجائی، ۱۳۷۸، ۲۰۹) ایشان بارها مسؤولان، دست اندرکاران و ملت را هدایت و ارشاد می نمودند و تکرار و عطف و ارشاد را مؤثر می دانستند. (صحیفه نور، ۱۴، ۳۹۵) گفتار و کردار امام(ره) بعد از پیروزی انقلاب تا زمان رحلت، گواه صدق بر مدعای ماست.

درباره فرآیند کنترل و نظارت با توجه به اصول ذکر شده باید یادآور شد که امام(ره) ابتدا اهداف و بایدهای نظام که همان تحقق جامعه اسلامی - رضایت خدا و رضایت خلق خدا - می باشد را تعیین نمودند سپس شاخص های سنجش عملکرد قوانین و مقررات اسلامی، قانون اساسی، منافع و مصالح ملت دانستند، آنگاه با جمع آوری اطلاعات به روش های نظارت همگانی مستقیم و غیرمستقیم که ذکر گردید در جهت اصلاح امور تدابیر لازم ارشادی، تشویق و تنبیهی را اتخاذ می نمودند.

۳- جمع بندی و نتیجه گیری:

الگوی رفتار مدیریتی امام(ره) هر چند در ظاهر، دارای عناصر مشابهی با دیگر مکاتب مدیریتی است؛ لیکن این عناصر تفاوت ماهوی با عناصر الگوهای رفتار مدیریتی مکاتب رایج غربی دارد که به آنها اشاره شود:

۳-۱- برنامه ریزی: امام(ره) در الگوی برنامه ریزی خویش از تکنیک ها و روشی علمی که به کارآمد نمودن و پاسخگو بودن برنامه کمک کند و منافاتی با اصول اسلامی نداشته باشد بهره گیری کرده است لیکن اصل جامع نگری و هدف گذاری براساس قوانین حیات بخش اسلامی که متضمن منافع و مصالح ملت و امت است و همچنین با بینش و نگرش عقلانی و آینده نگری براساس سنتهای الهی و درک فوق حسی، با تأکید بر وحدت رویه در ضمن استفاده از نظرات نخبگان و سلايق گوناگون، مؤلفه های محوری، در برنامه ریزی راهبردی و عملیاتی ایشان بوده است. تأکید بر ضرورت بازنگری در برنامه با گذشت زمان پس از بررسی های لازم، بیانگر وسعت نظر ایشان در برنامه ریزی است.

۳-۲- تصمیم گیری: الگوی تصمیم گیری امام(ره)، مبتنی بر الگوی تصمیم گیری اسلامی، تصمیم گیری الهی، عقلانی است که طبق نظر نرمن مایر ارزیابی کارایی تصمیم، ضمن بالا بودن کیفیت تصمیم، پذیرش مجریان را نیز به همراه دارد. این الگو که براساس نظریه سیستمی (ورودی- پردازش- خروجی) و بازخورد قابل تحلیل است دارای ورودی ها - مؤلفه ها و فیلترهای پردازشگر و در نتیجه خروجی های ویژه ای است که در الگوهای رایج دیده نمی شود.

۳-۳- سازماندهی: الگوی سازماندهی امام(ره) مبتنی بر نظام ولایی است. نظامی که دارای ساختار مرکزی و پیرامونی است ساختاری که در مرکز آن، نهاد ولایت، متضمن دینی بودن نظام است و پیرامون آن نیز متشکل از نهادهای انقلاب ساخته، قوای رسمی و سه گانه، نمایندگان ولی فقیه در نهادها و استان ها و مناسک دینی می باشد که استخوان بندی و شاکله سازماندهی در اصول ولایت محور، با در نظر گرفتن شاخصه های اسلام، برادری، سلسله مراتب نوگرایی در تشکیلات، تشکیل می دهد. امام(ره) از سازمان های رسمی و غیر رسمی در جهت اهداف عالی نظام به نحو احسن واکمل استفاده نمود و ارائه دهنده الگوی نوینی از سازماندهی همگانی در مدیریت سیاسی امروز بود.





۳-۴- هدایت و رهبری: اولاً: قدرت نفوذ امام(ره) در جامعه و پذیرش رهبری ایشان از سوی مردم و مسؤولین بیش از همه مبتنی بر اقتدار فراکاریمایی یعنی اقتدار شخصیت الهی، مردمی بود و اقتدار قانونی، بوروکراتیک و ... را نیز می توان تا حدودی در آن مشاهده نمود. در حالیکه هیچ یک از مدیران و رهبران سیاسی معاصر دارای چنین گونه اقتداری نبودند. ثانیاً امام(ره) در جایگاه نیابت امام زمان(عج) به عنوان یک رسالت دینی به جهت دهی و بصیرت بخشی آحاد مردم و مسؤولین با استفاده از تعلیم و تربیت اسلامی و توسعه آن، اطلاع رسانی سازنده و روشن، دمیدن روح احساس مسؤولیت، خودباوری، کرامت و عزت در امت اسلامی می پرداخت و از جامعه عقب نگه داشته شده، ناامید، ناآگاه و جاهل، جامعه ای فرهیخته، بصیر و روش بین و با انگیزه ساخت که نمونه چنین رهبری را که با آموزه های دینی و انسانی به چنین توفیقی نائل آمده باشد در جهان معاصر نمی توان یافت. ثالثاً، امام(ره) با تکیه بر منابع معنوی و مادی دارد به انگیزش جامعه پرداخت و نقش محوری را در حرکت انقلابی اداره جامعه بعد از پیروزی انقلاب ایفا نمود. این در حالیست که در مکاتب رایج مدیریتی، به عوامل مادی بیشتر توجه می شود تا عوامل معنوی، و در مواردی که به عوامل معنوی توجه شده تک بعدی بوده است نه چند بعدی.

رابعاً، الگوی ارتباطات امام(ره) در جامعه مبتنی بر عوامل معنوی بود که اعتبار شخصیت فرستنده، اعتبار پیام و تاثیر گذاری کانون ها و کانال های ارتباطی و دریافت پیام توسط گیرندگان بصیر و آگاه و با انگیزه را به روشنی ترسیم می نمود. ویژگی های امام(ره) از جمله تیزهوشی، جامعیت علمی، تواضع و صداقت، قدرت بیان و بصیرت، شخصیتی معتبر و جذاب را برای کسانی که با ایشان مرتبط بودند تصویر می نمود، سادگی، مفید و مختصر بودن پیام و کلام امام(ره) در اعماق جان ها نفوذ می کرد و جایی برای تردید و تأمل باقی نمی گذاشت. ایشان از کانالهای مؤثر ارتباطی اعم از رسانه های گروهی داخلی و خارجی (صدا و سیما) مطبوعات خبرگزاریها و ... مناسک دینی که کانون اجتماع مردمی مسلمین است اعم از حج، محافل عزاداری، مساجد و نماز جمعه و ... و ارتباط مستقیم و چهره به چهره با افراد نهایت استفاده را می کردند توجه امام(ره) به هر گفتاری و نوشتاری، هماهنگی بین گفتار و کردار امام(ره)، موقعیت سنجی و مخاطب شناسی، خیرخواهی و دلسوزی برای مردم، توجه به عوامل ظاهری و مهمتر از همه محبت

و صمیمیت، روح مؤثری بود که جریان ارتباطات را سریع تر بین امام(ره) و دیگران متصل می نمود که با هر عامل محلی قابل قطع نبود. پرواضح است که الگوی ارتباطات امام(ره) با الگوهای رایج ارتباطی در مدیریت ماهیتاً تفاوت اساسی دارد.

۵-۳- نظارت و کنترل: الگوی نظارت و کنترل امام(ره) پس از تبیین بایدها (تحقق جمهوری اسلامی و استقلال و آزادی) و تعیین شاخص ها (قانون اسلام، قانون اساسی، رضایت مردم تا منافع و مصالح جامعه) و توجه به ضرورت الگوسازی جدید از حکومت اسلامی و مدیریت اسلامی براساس سیره عملی نبوی (ص) و علوی (ع)، با خودکنترلی به عنوان اساس الگوی نظارت و کنترل اسلامی آغاز می شود، خودکنترلی مبتنی بر خدا حاضری و خدا ناظری، بازگشت اعمال در قیامت ارزش های والای انسانی، وجدان و ... می باشد که تکلیف رفتار انسان را مشخص می کند و هر کسی بهترین ناظر اعمال خویش است و با تحقق این عامل دیگر نیازی به سیستم های کنترل بیرونی نیست لیکن چون این آرمان، در عالم واقع تحقق ناپذیر است لذا امام(ره) توجه به نظارت همگانی همراه با ارشاد به عنوان یکی از ضروریات دین را محور بعدی نظارت قرار داده و سپس نظارت مستقیم و غیر مستقیم را، با بهره گیری از منابع اطلاعاتی مختلف به همراه اقدامات اصلاحی در صورت نیاز (اعم از تشویق، ارشاد، انتقاد، اخطار، تهدید و تنبیه و ...) را مورد توجه قرار دادند. توجه به عامل خودکنترلی، نظارت همگانی همراه با ارشاد از جمله امتیازات این الگو نسبت به الگوهای مشابه در تئورهای مدیریت است. با توجه به مباحث مذکور، مطالبی که در خصوص مکاتب مدیریتی ذکر گردید می توان نتیجه گرفت:

- رهیافت و الگوی مدیریتی امام(ره)، یک الگوی جدید در دنیای مدیریت است.
 - الگوی مدیریتی امام(ره) در بیان مکاتب اصلی مدیریت، به مکتب جامع و پویا نزدیک تر است.

- توجه ویژه و محوری به عوامل و منابع معنوی در مکتب و الگوی مدیریتی امام(ره)، جایگاه برجسته ای به این مکتب در میان مکاتب مدیریتی از جمله مکتب جامع و پویا می دهد.

- رهیافت، مکتب و الگوی مدیریت امام(ره) در مبانی، نگرش، بینش و اصول با دیگر مکاتب به لحاظ محتوا تفاوت دارد.

- در این الگو توجه به نقش مردم و دین در اداره جامعه مشهود است.





منابع

- آقا بابایی، زهره وعلی احسان نیک جو، نگرشی بر اصول ومبانی مدیریت نظامی جمهوری اسلامی ایران در هشت سال دفاع مقدس، تهران:نقش بیان وعصر فرزندگان، ۱۳۸۵.
- اسماعیلی، خیرالله، دولت موقت، تهران : مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰
- افتخاری، اصغر، انتظام ملی، جامعه شناسی سیاسی نظم از دیدگاه امام خمینی(ره) ، تهران:سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۷۹.
- امام خمینی(ره) ، ولایت فقیه، چاپ دهم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) ، ۱۳۷۹
- امام خمینی(ره) ، رساله طلب واراده، ترجمه احمد فهري، تهران، مرکز انتشارات علمی وفرهنگی، ۱۳۶۲.
- امام خمینی، صحیفه انقلاب، وصیت نامه سیاسی الهی رهبر کبیر انقلاب اسلامی وبنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، چاپ سوم، {تهران} : سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.
- امام خمینی، صحیفه نور، تهران: سازمان چاپ وانتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۶.
- اهوازی، عبدالرزاق، امام خمینی(ره) به روایت آیت الله هاشمی رفسنجانی ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره) ، عروج، ۱۳۸۵.
- برزگر، ابراهیم، مبانی تصمیم گیری سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره) ، تهران:سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳
- پیروز، علی آقا و ابوطالب خدمتی،عباس شفیعی،سید محمود بهشتی نژاد،زیر نظر سید مهدی الوانی،مدیریت در اسلام،تهران: پژوهشکده حوزه ودانشگاه، ۱۳۸۴.
- جاسبی، عبدالله، مباحثی از مدیریت اسلامی(مجموعه مقالات)چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۰.
- دهشیری، محمد رضا، در آمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی(ره) ، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی،

- رجایی، غلامعلی، برداشتهایی از سیره امام خمینی(ره)، جلد چهارم، چاپ دوم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، عروج، ۱۳۸۴
- رضایی زاده، محمود، بررسی تطبیقی خود مدیریتی امام خمینی(ره) با مدیران نظام اداری جمهوری اسلامی ایران، تهران: پژوهشکده امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶
- ستوده، امیررضا، پایه پای آفتاب، گفته ها و ناگفته ها از زندگی امام خمینی(ره)، چهار جلد، تهران، پنجره، ۱۳۷۳.
- شیدائیان، حسین، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، رهبری امام خمینی(ره)، قم: مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰.
- گودرزی، غلامرضا، تصمیم گیری استراتژیک: مطالعه موردی موعود گرایی شیعه، تهران: دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۸۶.
- وجدانی، مصطفی، سرگذشتهای ویژه از زندگی امام خمینی(ره)، ج ۳ و ۴، چاپ چهارم، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۶
- روزنامه اطلاعات، ویژه نامه هشتمین سال فراق یار ۷۶/۳/۱۳، ترجمه غلامرضا صدر السادات.
- نقی پور فر، ولی الله، رهبری بصیر در اسلام، کمال مدیریت، سال سوم، ش ۸، ۹، ۱۳۸۴.

